

An Examination and Analysis of the Foundations and Theoretical Discussions of Mahdavi Governance

Hossein Elahi Nejad¹ 

Received: 2025/02/09 • Revised: 2025/02/19 • Accepted: 2025/03/16 • Published online: 2025/05/04



Abstract

Mahdavi governance is a new and emerging topic. Such a new and emerging subject requires fresh scientific and research-based studies so that it can be established within the people, society, and both religious and academic centers through discourse creation and cultural development. One of the important ways to achieve discourse creation, cultural development, and ultimately the institutionalization of Mahdavi governance in society and academic centers is through the application of theoretical and epistemological discussions on the one hand, and by analyzing the epistemological foundations of Mahdavi governance on the other. The foundations of Mahdavi governance, which justify the principle and issues of Mahdavi governance, are categorized into various areas, such as ontological, teleological, axiological, theological, and sociological foundations. However, the theoretical and epistemological models of Mahdavi governance, which form the basis of theoretical and epistemological discussions of Mahdavi governance, are manifested in

1. Professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.
h.elahinejad@isca.ac.ir

* Elahi Nejad, H. (2024). An Examination and Analysis of the Foundations and Theoretical Discussions of Mahdavi Governance. *Journal of Islamic Governance Studies*, 1(1), pp. 136-166.
<https://doi.org/10.22081/jislamicgo.2025.71066.1005>

* **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. ***Type of article:** Research Article

© The Authors



three theoretical categories: the model of "law of movement," the model of "theoretical and scientific reason," and the model of "four causes." The foundations and theoretical models of Mahdavi governance, which justify the principle and issues of Mahdavi governance, are justified in the realm of external and general discussions within the philosophy of Mahdavi governance. This paper adopts a qualitative approach, using documentary and library-based data collection methods and explanatory and analytical data processing techniques.

Keywords

Mahdavi Governance, Theoretical Foundations, Ontological Foundations, Theological Foundations, Teleological Foundations.



دراسة وتحليل الأسس والمباحث النظرية للحوكمة المهدوية

حسين إلهي نجاد^١



تاريخ الاستلام: ٢٠٢٥/٠٢/٠٩ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٢/١٩ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٣/١٦ • تاريخ النشر الإلكتروني: ٢٠٢٥/٠٥/٠٤

الملخص

إنّ مبحث الحوكمة المهدوية هو مبحث حديث النشأة والتأسيس. ويتطلب هذا الموضوع الجديد والناشئ إلى دراسات وبحوث علمية جديدة لتهيئة أرضية مناسبة لتأسيسه (إضفاء الطابع المؤسسي) وتأصيله بين الناس والمجتمع وفي المراكز الحوزوية والجامعية من خلال بناء الخطاب والثقافة (بناء الثقافة). ومن أهم الطرق التي يمكن من خلالها الوصول إلى بناء هذا الخطاب والتثقيف وفي النهاية ترسيخ وتأسيس الحوكمة المهدوية في المجتمع والمراكز العلمية، هو تطبيق المباحث النظرية والمعرفية من جهة، وطرح تحليل الأسس المعرفية للحوكمة المهدوية من جهة أخرى. وتنقسم أسس الحوكمة المهدوية، التي تبرر أصل الحوكمة المهدوية ومسائلها، إلى أقسام مختلفة مثل الأسس الأنطولوجية (الوجودية)، والغائية، والقيمية، والدينية، والاجتماعية. أما النماذج والأنماط النظرية والمعرفية للحوكمة المهدوية، التي تُشكل الأساس للمباحث النظرية والمعرفية للحوكمة المهدوية، فإنّها تتجلى في إطار المقولات النظرية الثلاثية مثل نموذج «قانون الحركة»، ونموذج «العقل النظري والعلي»، ونموذج «العلل الأربع». وهذه الأسس والنماذج

١٣٨
مطالعات
حکمرانی اسلامی

سال اول، شماره اول (پیاپی ١) بهار و تابستان ١٤٠٤

١. أستاذ في المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران.

h.elahinejad@isca.ac.ir

* إلهي نجاد، حسين. (٢٠٢٥). دراسة وتحليل الأسس والمباحث النظرية للحوكمة المهدوية. دراسات الحوكمة الإسلامية، ١ (١)، صص ١٣٦-١٦٦.
<https://doi.org/10.22081/jislamicgo.2025.71066.1005>

التصنيف: علمية محكمة، الناشر: المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران. © الكتاب



النظرية للحكمة المهدوية، التي تبرّر بشكل ما أصل الحكمة المهدوية وقضاياها، تفسّر في ساحة المباحث الخارجية والكلية (العامة) وفي إطار فلسفة الحكمة المهدوية. بناءً على ذلك، فإنّ منهج البحث المتّبع في هذه الدراسة هو المنهج النوعي، وقد تم جمع المعلومات (البيانات) بأسلوب وثائقي مكتبي، وتمّت معالجتها بشكل تفسيري وتحليلي.

الكلمات المفتاحية

الحكمة المهدوية، الأسس النظرية، الأسس الأنطولوجية، الأسس الدينية، الأسس الغائية.

بررسی و تحلیل مبانی و مباحث نظری حکمرانی مهدوی

حسین الهی نژاد^۱ 

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴



چکیده

بحث حکمرانی مهدوی، بحث نوپدید و جدیدالتأسیسی است. چنین موضوع جدید و نوپدید نیاز به مطالعات و کاوش‌های علمی و پژوهشی جدیدی دارد تا در میان مردم و جامعه و در میان مراکز حوزوی و دانشگاهی با گفتمان‌سازی و فرهنگ‌سازی، بستر نهادینه‌سازی آن فراهم شود. از جمله راه‌های مهمی که می‌توان به این گفتمان‌سازی، فرهنگ‌سازی و در نهایت به نهادینه‌سازی حکمرانی مهدوی در جامعه و مراکز علمی رسید، کاربست مباحث نظری و معرفتی از سویی، و طرح تحلیل مبانی شناختی حکمرانی مهدوی از سوی دیگر می‌باشد. مبانی حکمرانی مهدوی که توجیه‌گر اصل حکمرانی مهدوی و مسائل آن است به اقسام مختلفی نظیر مبانی هستی‌شناختی، غایت‌شناختی، ارزش‌شناختی، دین‌شناختی، و جامعه‌شناختی تقسیم می‌شود. اما مدل و الگوهای نظری و معرفتی حکمرانی مهدوی که پایه‌گذار مباحث نظری و معرفتی حکمرانی مهدوی است در قالب مقولات سه‌گانه‌ی نظری مانند الگوی «قانون حرکت»، الگوی «عقل نظری و علمی» و الگوی «علل اربعه» نمایان می‌شود. مبانی و مدل‌های نظری حکمرانی مهدوی که به نحوی توجیه‌گر اصل حکمرانی مهدوی و مسائل آن است در ساحت

۱. استاد، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

h.elahinejad@isica.ac.ir

* الهی نژاد، حسین. (۱۴۰۳). بررسی و تحلیل مبانی و مباحث نظری حکمرانی مهدوی. مطالعات حکمرانی اسلامی، (۱)، صص ۱۳۶-۱۶۶.
<https://doi.org/10.22081/jislamicgo.2025.71066.1005>

نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. © نویسندگان



مباحث بیرونی و کلی و در قالب فلسفه‌ی حکمرانی مهدوی توجیه می‌شود. براین اساس در این نوشتار، روش بحث کیفی بوده و در جمع‌آوری اطلاعات به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای و در پردازش اطلاعات به صورت تبیینی و تحلیلی عمل شده است.

کلیدواژه‌ها

حکمرانی مهدوی، مبانی نظری، مبانی هستی‌شناختی، مبانی دین‌شناختی، مبانی غایت‌شناختی

مقدمه

به طور کلی پایه‌های شکل‌گیری حکمرانی در میان مسلمان‌ها در قالب دو دیدگاه اهل سنت و شیعه خودنمایی می‌کند؛ در دیدگاه اهل سنت، پایه‌های چهارگانه‌ی اهل حل و عقد، استخلاف، شورا، و استیلاء مطرح است (حاجی صادقی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۲). اما در نظرگاه شیعه، پایه‌های سیاسی در دو فضای حضور امام علیه السلام و غیبت امام علیه السلام قابل تعریف است که در فضای حضور و ظهور امام، نظریه‌ی امامت و در فضای غیبت امام، نظریه‌ی ولایت فقیه مطرح می‌باشد (فیرحی، ۱۳۹۵، ص ۴۱). اما حکمرانی مهدوی بنابر تعریف مختار شامل حال حکمرانی متعالی مهدوی که متعلق به بعد از ظهور و حکمرانی ولی فقیه که متعلق به قبل از ظهور است می‌شود زیرا هر دو نوع حکمرانی به نحوی برگرفته از اندیشه‌ی مهدویت هستند.

حکمرانی مهدوی دارای مؤلفه‌های مختلفی نظیر شاخصه‌های حکمرانی مهدوی، روش حکمرانی مهدوی، کارکرد حکمرانی مهدوی، غایت و هدف حکمرانی مهدوی، انواع حکمرانی مهدوی و... است. از جمله مؤلفه‌های مهم حکمرانی مهدوی، مبانی و مباحث نظری حکمرانی مهدوی است که این نوشتار عهده‌دار تبیین و تحلیل آن‌ها است. اما مباحث نظری حکمرانی مهدوی همان مدل‌ها و چارچوب‌های نظری و معرفتی است که به نوعی مبانی، اصول، بنیادها و ساختار مهدوی بر اساس آن‌ها سامان می‌گیرد، نظیر مدل‌های نظری بر پایه‌ی قانون حرکت، بر پایه‌ی علل اربعه و بر پایه‌ی عقل نظری و عملی.

از آنجایی که حکمرانی مهدوی مبتنی بر آموزه‌های دینی است پس نمی‌تواند مبانی و اصول ثابتی نداشته باشد و مبانی نیز همیشه امر ثابت و فرازمانی است (لک‌زایی، ۱۳۸۵، ص ۶۷). براین اساس، مبانی حکمرانی مهدوی، آن پایه‌ها و بنیادهایی است که توجیه‌گر مؤلفه‌ها و مسائل حکمرانی مهدوی بوده و دارای اقسام مختلفی نظیر مبانی هستی‌شناختی حکمرانی مهدوی، مبانی ارزش‌شناختی حکمرانی مهدوی، مبانی جامعه‌شناختی، مبانی غایت‌شناختی حکمرانی مهدوی، مبانی دین‌شناختی حکمرانی مهدوی و... است. در

این مقاله به جهت محدودیت در نوشتار، با اختصار به صورت کلی به برخی از الگوهای نظری و مبانی حکمرانی مهدوی پرداخته می‌شود.

در مبحث حکمرانی مهدوی، به جهت جدیدالتأسیس و نوپدید بودن، مسائل و مباحثی که پیرامون آن شکل می‌گیرد نیز جدید و نوپدید بوده و فاقد عقبه‌های پژوهشی و تحقیقاتی می‌باشد؛ در نتیجه گفته می‌شود اولاً حکمرانی مهدوی بدون پیشینه و عقبه‌های علمی است؛ ثانیاً، فاقد منابع مطالعاتی و پژوهشی است؛ ثالثاً دارای مشکلات و تنگناهای مطالعاتی و پژوهشی عدیده‌ای می‌باشد.

۱. ادبیات مفهومی و نظری پژوهش

۱-۱. مبانی

«مبانی»، جمع «مبنی»، از ریشه‌ی «بنی» است و به معنای پایه و اساس ثابت هر چیزی است (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۵۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۴۷). مبانی و اصول در این که به معنای پایه و اساس هر چیزی هستند مشترک می‌باشند و از حیث این که مبانی متعلق به آن پایه‌هایی است که در قالب «هست‌ها» و اصول متعلق به آن پایه‌هایی است که در قالب «بایدها» تعریف می‌شوند از یکدیگر متمایز می‌گردند.

مبانی حکمرانی مهدوی، آن گزاره‌هایی است که زیربنای نظری حکمرانی مهدوی قرار می‌گیرد و ارزش‌ها و اصولی که در حکمرانی مهدوی ذکر می‌شود، مبتنی بر این مبانی هستند. مبانی، پیش‌فرض‌هایی است که پایه‌ها و زیرساختهای علوم، امور، اندیشه و باور را تشکیل می‌دهند و می‌توان از آنها به صورت منطقی استنتاج و نتیجه‌گیری کرد. مبانی به صورت گزاره‌های خبری (توصیفی) بیان می‌شوند.

در اصطلاح‌نامه‌ها، واژه‌هایی چون مبادی، اصول، ارکان، دکترین، شالوده و قواعد، مترادف با واژه‌ی مبانی آمده است (حسینی دشتی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۲۴۳؛ تهنائی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۵۹)؛ همچنین واژه‌هایی نظیر پیش‌گمانه، پیش‌فرض، پیش‌دانسته و پیش‌داوری که معادل با کلمه «presupposition» و «prejudgement» است، هم‌سو با واژه‌ی مبانی تلقی می‌گردند. در میان واژه‌ها و اصطلاحات فوق، علاوه بر واژه‌ی اصول، واژه‌ی مبادی نیز

پرباربرد بوده و بسیار در کنار واژه‌ی مبانی مطرح می‌شود دو واژه‌ی مبادی و مبانی گرچه از نظر معنا و مفهوم، قریب افق بوده و در برخی تعاریف به جای یکدیگر به کار می‌رود و حتی در برخی از تعاریف، بعضاً آن دو را مترادف و هم‌معنا می‌دانند ولی اگر با دقت مورد بررسی قرار گیرند نه تنها از نظر واژگانی و لغوی از یکدیگر تفاوت دارند، بلکه از نظر ماهیت و اصطلاح نیز تمایز بارزی میان آن دو به چشم می‌خورد؛ زیرا از فحواء، تعاریف و کاربردهای دانشمندان و متخصصان فن برداشت می‌شود که نسبت میان مبادی و مبانی نسبت عام و خاص است که در این صورت مبادی به عنوان عام، به تصویری و تصدیقی تقسیم می‌شود و مبانی تنها به قسم دوم آن که مبادی تصدیقی باشد اطلاق می‌شود؛ بنابراین، مبانی، آن پایه و ارکانی است که اولاً مورد تأیید عقل و منطق است، یعنی با عقل و قواعد عقلی می‌توان از آن دفاع نمود که با این شاخصه پیش‌فرض‌ها، پیش‌گمانه‌ها و پیش‌فهم‌ها که خالی از استحکام و اتقان عقلی و قواعد عقلانی است، متمایز می‌گردند. ثانیاً در قالب قضایا، براهین و اصول جلوه کرده و توجیه‌گر مسائل و مباحث علوم می‌باشد که با این قید از مبادی که شامل مفاهیم و تعاریف موضوع و مسائل علم نیز می‌باشد تمیز داده می‌شود. ثالثاً پایه و اساس شکل‌گیری هر علم و رشته‌های علمی است، یعنی تأسیس یک حوزه معرفتی وابسته به شکل‌گیری مبانی آن علم می‌باشد چنان‌که گفته می‌شود: العلم انما یغذی بالمبنی و ینمو بالبرهان فیدور مدارهما حیث دارا.

مبانی یا مربوط به علوم است و یا مربوط به امور. از آنجائی که حکمرانی مهدوی امر است نه علم، پس مبانی حکمرانی مهدوی در قالب مبانی امور تعریف می‌شود و این مبانی دارای تنوعاتی نظیر بدیهی و نظیری، عام و خاص، بعید و قریب می‌باشد.

۲-۱. اقسام مبانی

مبانی همان گزاره‌های تصدیقی است که شکل‌گیری همه‌ی علوم، امور، اندیشه و باور و نیز توجیه مسائل و مباحث آن‌ها بر عهده‌ی آن می‌باشد. مبانی به جهت کاربردهای مختلف و نیز به‌خاطر رویکردهای گوناگونی که دارد، به اقسام مختلفی نظیر

هستی‌شناختی، غایت‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی، دین‌شناختی و ارزش‌شناختی تقسیم می‌شود. براین اساس، حکمرانی مهدوی یا بر پایه‌ی مبانی هستی‌شناختی که از آن به مبانی وجودشناختی یاد می‌شود و یا بر پایه‌ی مبانی دین‌شناختی که بر اساس شریعت و دین اسلام توجیه می‌شود و یا بر پایه‌ی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی که از آن به مبانی ارزش‌شناختی نام برده می‌شود و یا بر پایه‌ی مبانی غایت‌شناختی که در راستای هدف‌نمایی و تعیین مقصد بازشناسی شده و از آن به علت‌غایی نام برده می‌شود و یا بر پایه‌ی مبانی معرفت‌شناختی که با محوریت معارف عقلانی، وحیانی و دینی شکل می‌گیرد، سامان می‌گیرد.

۳-۱. حکمرانی مهدوی

نسبت و ارتباط دو واژه‌ی «حکمرانی» و «مهدوی» که تشکیل‌دهنده‌ی عبارتی به نام «حکمرانی مهدوی» است اولاً ترکیب آنها از نوع ترکیب وصفی است نه اضافی (واله، ۱۴۰۰، ص ۳۲) و ثانیاً تقید حکمرانی به قید «مهدوی» در برابر حکمرانی نبوی و علوی از نوع تقید توضیحی^۱؛ و در برابر حکمرانی عرفی و خوب که با رویکرد سکولار و با مبنا لیبرالیسم توجیه می‌شود از نوع تقید احترازی^۲ است. اما نسبت به حکمرانی مطلوب که در عصر غیبت به سرپرستی ولی فقیه اداره می‌شود از نوع قسیم بوده که مقسم آن دو اندیشه‌ی مهدویت می‌باشد. در واقع با این ترکیب و با این تقید، حکمرانی مهدوی از دیگر اقسام حکمرانی‌ها متمایز می‌گردد.

۱. قید توضیحی، از اقسام قید غیر احترازی و مقابل قید غالبی بوده و عبارت است از قیدی که در کلام آورده می‌شود ولی مفهوم آن را محدود نمی‌سازد، بلکه معنای آن را تبیین می‌کند، مانند: «لا تشرب خمرًا مسکرا»، که در آن، «اسکار» قیدی است که دایره مفهوم خمر را محدود نمی‌سازد، بلکه یکی از ویژگی‌های ذاتی آن را بیان می‌کند.

۲. قید احترازی، مقابل قید غیر احترازی بوده و به قیدی گفته می‌شود که برای تنگ کردن دایره موضوع حکم و خارج کردن غیر موضوع مقید، از شمول حکم نسبت به آن، در کلام می‌آید، مانند آن که مولا بگوید: «اعتق رقبة مؤمنة؛ برده مؤمنی را آزاد کن» که در این جا قید «ایمان» برای احتراز از آزاد کردن برده کافر است؛ یعنی او را از شمول حکم آزادی خارج می‌سازد.

حکمرانی مهدوی با دو رویکرد عام و خاص، مفهوم‌شناسی می‌شود. در رویکرد عام و یا بالمعنی‌الاعم، مطلق حکمرانی مهدوی بدون تعیین متولیان، ولی در رویکرد خاص و یا بالمعنی‌الاخص، تعریف حکمرانی مهدوی همراه با تعیین متولیان مد نظر است.

۱-۳-۱. حکمرانی مهدوی با تعریف عام؛ حکمرانی مهدوی الگویی از حکمرانی اسلامی است که بر اساس اندیشه‌ی مهدویت سامان گرفته و به هدایت و راهبری جامعه و شهروندان جهت رسیدن به تعالی و کمال مادی و معنوی، می‌پردازد. این تعریف شامل حکمرانی با حاکمیت شخص امام مهدی (عج) و حکمرانی با حاکمیت جانشینان امام مهدی (عج) که در رأس آنها ولی فقیه قرار دارد، می‌شود زیرا هر دو بر اساس اندیشه‌ی مهدویت شکل می‌گیرند.

۱-۳-۲. حکمرانی مهدوی به سرپرستی شخص امام مهدی (عج) (تعریف خاص)؛ آخرین الگو و مدل حکمرانی اسلامی است که بر اساس اندیشه‌ی مهدویت شکل گرفته و با رویکرد جهانی به راهبری و تعالی جامعه و شهروندان برای رسیدن به عدالت جهانی، رفاه جهانی، امنیت جهانی و... می‌پردازد. این نوع حکمرانی که متصف به وصف «تعالی» بوده به نام حکمرانی متعالی مهدوی نام‌گذاری می‌شود. به بیان دیگر، حکمرانی متعالی یعنی اجرا و اعمال قدرت در جامعه با نگرش مردم‌سالاری دینی، بر اساس اندیشه‌ی مهدویت و حاکمیت امام مهدی (عج) جهت تعالی و رشد امور مادی و معنوی بشر در دو ساحت دنیا و آخرت.

۱-۳-۳. حکمرانی مهدوی به سرپرستی ولی فقیه (تعریف خاص)، حکمرانی مطلوب و مقدور؛ الگو و مدلی از حکمرانی اسلامی است که بر اساس اندیشه‌ی مهدویت شکل گرفته و با رویکرد زمینه‌سازی ظهور، به تمهیدگری و راهبری جامعه و شهروندان برای رسیدن به آمادگی، شایستگی و بایستگی جهت تحقق ظهور، می‌پردازد.

۲. حکمرانی مهدوی بر پایه‌ی مدل‌های نظری

مدل‌های نظری همان چارچوب‌های نظری و معرفتی است که تحقیق و پژوهش بر آن

استوار می‌باشد. پس مدل‌های نظری حکمرانی مهدوی همان چارچوب‌های نظری و معرفتی است که بنیادهای حکمرانی مهدوی بر آن استوار بوده، به‌نوعی شکل‌دهنده‌ی پایه و اساس و نیز ساختار و نظام حکمرانی مهدوی می‌باشد که با این الگوها و چارچوب‌های نظری، علاوه بر تولید پایه و اساس حکمرانی مهدوی، می‌توان به طراحی ساختار و نظام حکمرانی مهدوی نیز پرداخت. براین اساس، حکمرانی مهدوی دارای چارچوب‌ها و مدل‌های نظری و معرفتی مختلفی است که برخی از آنها به قرار ذیل می‌باشد: «حکمرانی مهدوی بر پایه‌ی نظریه‌ی حرکت»، «حکمرانی مهدوی بر پایه‌ی علل اربعه» و «حکمرانی مهدوی بر پایه‌ی عقل نظری و عملی» که در ادامه به تفصیل آن‌ها و تبیین انطباقشان با حکمرانی مهدوی خواهیم پرداخت.

۲-۱. حکمرانی مهدوی بر پایه‌ی علل اربعه

به‌طور کلی برای شکل‌گیری و تحقق هر امری چهار نوع علت، یعنی علت فاعلی، علت غائی، علت مادی و علت صوری نقش ایفا می‌کنند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۲۴۴؛ مطهری، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۷۸؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۹۱). علت فاعلی و غائی نقش ایجاد و بخشندگی دارند و علت صوری و مادی نقش قابلیت و پذیرندگی دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۷۷). ملاصدرا در این خصوص می‌گوید: اَنَّ الْعِلَّةَ إِذَا أَنْ يَكُونَ جزءاً لِّلشَّيْءِ أَوْ لَا يَكُونَ، وَالْجُزْءُ يَنْقَسِمُ إِلَى مَا بِهِ يَكُونُ الشَّيْءُ بِالْفِعْلِ وَهِيَ الصُّورَةُ، وَإِلَى مَا بِهِ يَكُونُ الشَّيْءُ بِالْقُوَّةِ وَهِيَ الْمَادَّةُ وَالَّتِي لَيْسَتْ بِجُزْءٍ إِذَا أَنْ يَكُونَ مَا لِأَجْلِهِ وَهِيَ الْغَايَةُ أَوْ مَا يَكُونُ بِهِ الشَّيْءُ وَهُوَ الْفَاعِلُ. علت یا داخل در معلول و جزء آن است و یا خارج از معلول می‌باشد و جزء آن نیست. علتی که جزء معلول است دو قسم است: یا چیزی است که معلول با توجه به آن «بالقوه» محسوب می‌شود و آن همان «ماده» است و یا معلول با توجه به آن «بالفعل» محسوب می‌شود و آن را «صورت» می‌گویند. علت بیرون از معلول که جزء معلول نباشد نیز دو قسم است، یا چیزی است که صدور معلول، به

واسطه‌ی آن است و به عبارت دیگر صدور معلول به خاطر آن است و آن همان «غایت» است و یا چیزی است که صدور معلول از آن است که آن همان «فاعل» است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۴۲). علل اربعه با یکدیگر ارتباطات مختلفی دارند: مثلاً علت غایی به علت فاعلی برمی گردد و در واقع علت غایی در مقام ذهن و ثبوت، مقدم بر علت فاعلی، و در مقام عین و اثبات، متأخر از علت فاعلی است. علت مادی و صوری در محدوده‌ی موجودات، سبب و علت یکدیگر هستند. ماده، محل صورت و صورت، شکل و ظاهر ماده و شریک علت فاعلی ماده می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۶ «الف»، ج ۲، ص ۳۳۳).

اموری که با عوامل چهارگانه ایجاد می‌شود، تفاوتی ندارد که این امور، طبیعی باشد و یا انسانی، فردی باشد و یا اجتماعی. حکمرانی مهدوی که یک امر اجتماعی و سیاسی تلقی می‌شود از جمله آن‌ها است که برای تحقق آن این علل چهارگانه نقش ایفا می‌کنند.

علت فاعلی؛ آن چیزی است که فعل از او صادر شده و در اصطلاح آن را «مأمنه الفعل» می‌گویند که در حکمرانی مهدوی همان «مبانی و اصول حکمرانی مهدوی» است که در قالب مبانی هستی‌شناختی، مبانی دین‌شناختی، مبانی معرفت‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی و... خودنمایی می‌کند. علاوه بر مبانی و اصول حکمرانی، مباحث دیگری در اینجا مطرح است نظیر بحث ارکان حکمرانی مهدوی، بحث معیار و ملاک حکمرانی مهدوی، بحث ادله و براهین حکمرانی مهدوی، بحث فلسفه‌ی حکمرانی مهدوی و.. که همه‌ی این موارد به نوعی در قالب علت فاعلی توجیه و تفسیر می‌شوند.

علت غائی؛ آن چیزی است که فعل به خاطر آن تحقق می‌یابد و در اصطلاح بدان «ماله الفعل» می‌گویند که در حکمرانی مهدوی با «اهداف حکمرانی مهدوی» منطبق می‌شود. اهداف حکمرانی مهدوی که توجیه‌گر اصل حکمرانی مهدوی است، به اهداف کوتاه‌مدت و ابتدائی نظیر تحقق عدالت جهانی، تحقق امنیت

جهانی، تحقق آسایش و رفاه فراگیر و... و به اهداف بلندمدت و نهایی نظیر تحقق دین الهی، تحقق بندگی و عبودیت الهی، تحقق کمال و سعادت انسانی و... تقسیم می‌شود.

علت مادی؛ آن چیزی است که فعل با او انجام می‌پذیرد و در اصطلاح آن را «مأمعه الفعل» و علت قابلی و اعدادی می‌گویند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۲۴۴). در حکمرانی مهدوی، می‌توان آن‌ها را در قالب نهادهای پنج‌گانه اجتماعی نظیر نهاد خانواده، نهاد اقتصاد، نهاد بهداشت و سلامت، نهاد تعلیم و تربیت، و نهاد حکومت و سیاست بازنمایی نمود.

علت صوری؛ آن چیزی است که فعل به وسیله‌ی آن شکل و فعلیت به خود می‌گیرد و در اصطلاح آن را «مابه‌الفعل» می‌گویند که در حکمرانی مهدوی مربوط به ساختار حکمرانی مهدوی، سبک و روش حکمرانی مهدوی، شاخصه‌ها و ویژگی‌های حکمرانی مهدوی، و انواع و اقسام حکمرانی مهدوی بوده و نیز مانند طرح و نقشه برای اجرای حکمرانی مهدوی می‌باشد.

۲-۲. حکمرانی مهدوی بر پایه‌ی عقل نظری و عملی

برای انسان دو قوه وجود دارد: قوه‌ی عالمه که عقل نظری است و قوه‌ی عامله که عقل عملی است (صدرالدین شیرازی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۸۵). عقل نظری عهده‌دار اندیشه‌ی صحیح، و عقل عملی ضامن انگیزه درست است (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۱۴۲). عقل نظری از سنخ اندیشه، دانش و معرفت می‌باشد و نیز به قوه و ابزاری اطلاق می‌شود که یک‌بار به شناخت هست و نیست‌ها و بار دیگر به شناخت بایدها و نبایدها می‌پردازد (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۲۹). هست و نیست‌ها نظیر جهان‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی، زیست‌شناسی و... که نتیجه‌ی آن پی بردن به حقانیت هستی و عدم بطلان آن می‌باشد؛ و باید و نبایدها نظیر عدالت‌شناسی، ظلم‌شناسی، عبادت‌شناسی، ایمان‌شناسی و... که نتیجه‌ی آن رسیدن به حسن و قبح آن‌ها است. در تقسیم‌بندی عقل

نظری، قسم اول را حکمت نظری و قسم دوم را حکمت عملی نام نهاده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۵). عقل عملی از مقوله‌ی عمل بوده و به گرایش‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهای انسان می‌پردازد و معیار تشخیص درستی و نادرستی و خوب و بد اعمال می‌باشد. به بیان دیگر، مسائلی که موضوعات آن خارج از قدرت، انتخاب و اختیار بشر است، مانند مسائل مربوط به مبدأ، معاد، توحید، فرشتگان، جهان مجرد، عالم ملکوت، ماده و سیر تکاملی آن و سایر مسائل نظری که خواه انسان باشد یا نباشد، وجود آن حقایق در جای خود محفوظ است و تحت اختیار و قدرت بشر نیست. این سلسله مباحث را حکمت نظری می‌نامند. مسائلی که موضوعات آن در اختیار، انتخاب و قدرت بشر قرار دارد، مانند مسائل مربوط به بایدها و نبایدهای رفتاری که انسان می‌تواند با اختیار خودش به درک و شناخت آن‌ها مبادرت نماید را حکمت عملی می‌نامند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۴؛ لک‌زایی، ۱۳۸۵، ص ۲۹).

حکمت نظری؛ مقوله‌ای که به مبانی هستی‌شناختی حکمرانی مهدوی نظیر منجی‌شناسی، آینده‌شناسی، نیابت‌شناسی، ضرورت حکمرانی جهانی، ضرورت حکمرانی در عصر غیبت و... می‌پردازد.

حکمت عملی؛ مقوله‌ای که به شناخت بایدها و نبایدهای حکمرانی مهدوی در موضوعات مختلفی نظیر شناخت شاخصه‌های خانواده مهدوی در عصر ظهور و غیبت، چیستی علم اقتصاد مهدوی در عصر غیبت و ظهور، و همچنین شناخت بهداشت و سلامت مهدوی، شناخت تعلیم و تربیت مهدوی، و شناخت حکومت و سیاست مهدوی می‌پردازد.

عقل عملی؛ مقوله‌ای که به انجام بایدها و نبایدهای حکمرانی مهدوی و قضاوت کردن پیرامون آن‌ها می‌پردازد، مثلاً به درستی و نادرستی رفتار و عملکرد حکمرانان در موضوع خانواده، اقتصاد، بهداشت و سلامت، تعلیم و تربیت، و حکومت و سیاست پرداخته و به کیفیت اجراء و عملکرد صحیح حکومت در مقولات چهارگانه جامعه می‌پردازد.

۲-۳. حکمرانی مهدوی بر پایه‌ی نظریه‌ی حرکت

نظریه‌ی حرکت^۱ که به نوعی توجیه‌گر پایه و اساس حکمرانی مهدوی است، دارای معانی مختلفی می‌باشد. برخی آن را به معنای حدوث تدریجی شیء از قوه به فعل می‌دانند؛ برخی دیگر آن را به معنای خروج از یکسانی و مساوات می‌دانند (جوادی آملی، ۱۳۸۶ «ب»، ج ۳، ص ۵۶۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۸۷). البته حرکت، تعریف حدی ندارد و تعریف آن رسمی است، زیرا از مقولات خارجی نیست تا جنس و فصل داشته باشد، بلکه مفهوم حرکت از مقولات ثانوی است که از نحوه‌ی وجود متحرک انتزاع می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۸۷). حرکت دارای عناصر شش‌گانه‌ی مبدأ، مقصد، محرک، متحرک، زمان و مکان می‌باشد. مبدأ یعنی وضعیت موجود و مقصد یعنی وضعیت مطلوب، و محرک (پیشران) یعنی رساندن متحرک از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب و متحرک یعنی متعلقات حرکت که در اینجا نهادهای اجتماعی نظیر نهاد خانواده، نهاد اقتصاد، نهاد تعلیم و تعلم، نهاد سلامت و بهداشت و نهاد سیاست و دولت است (لک‌زایی و همکاران، در دست‌نشر، ص ۸).

۲-۳-۱. انطباق نظریه‌ی حرکت با حکمرانی ولی فقیه

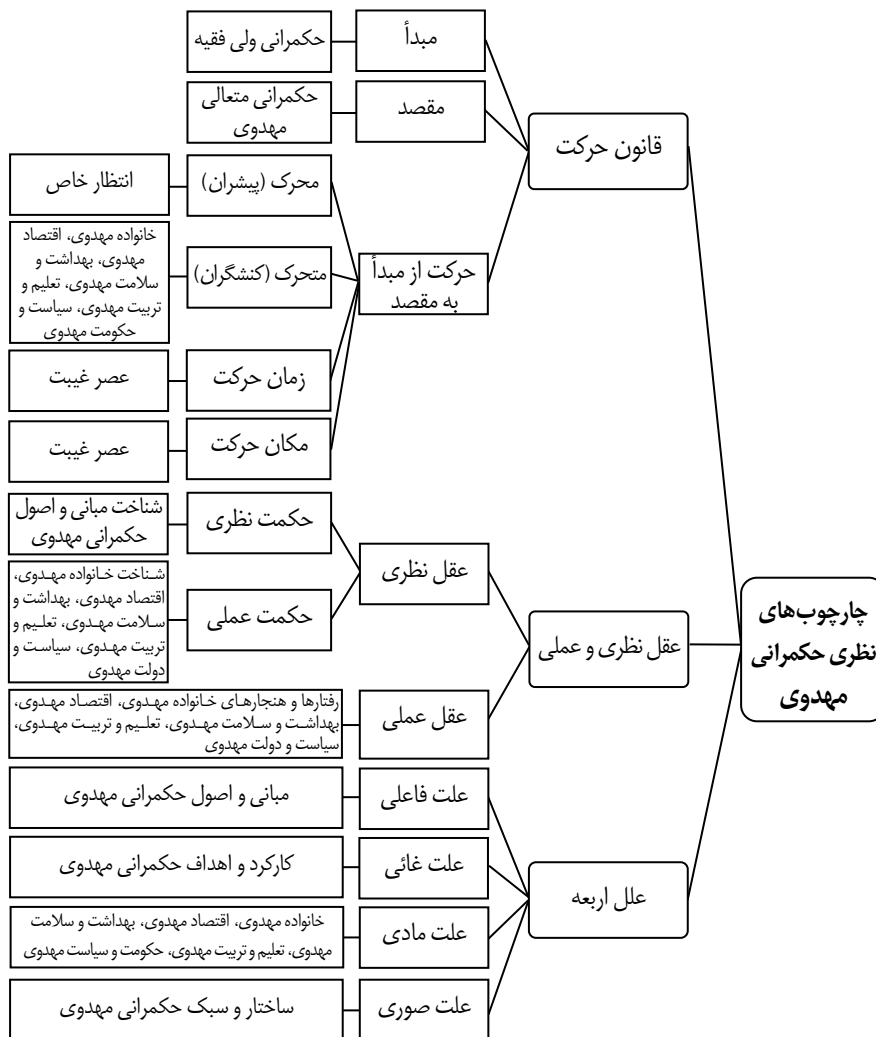
نظریه‌ی حرکت، دقیقاً با تعریف انتظار با رویکرد عام^۲ هماهنگ و منطبق می‌باشد و با نظریه‌ی حرکت می‌توان حکمرانی ولی فقیه را توجیه نمود. زیرا انتظار عام بسان

۱. وقوع حرکت به شش چیز وابسته است: مبدأ (ما مِنْهُ)، منتها (ما إِلَيْهِ)، فاعل (محرک)، قابل (متحرک)، زمان و مکان (ما فیه)، که از زمان و مکان همان مسافت است. مبدأ، آغازگاه حرکت است و منتها، پایانه و مقصد آن. مراد از محرک، فاعل به حرکت درآورنده و مراد از متحرک، شیء در حال حرکت است. گاهی محرک به معنای محرک غایی (نه فاعلی) به کار می‌رود و موجد حرکت شناخته می‌شود، اما نه موجد مباشر. مسافت یا ما فیه حرکت، به مقوله‌ای گفته می‌شود که حرکت به معنای خاص در آن واقع می‌شود، مانند حرکت در کیف که مراد از آن «این» است.

۲. انتظار به دو قسم عام و خاص قابل تقسیم است انتظار عام آن انتظاری است که شامل همه انواع انتظار در همه مراتب نظیر انتظار روحی، انتظار قولی، انتظار قلبی و انتظار عملی می‌شود ولی انتظار خاص، آن انتظاری است که تنها شامل عالی‌ترین نوع انتظار که همان انتظار عملی است، می‌شود.

نظریه‌ی حرکت دارای عناصر شش گانه است که این عناصر شش گانه با عناصر شش گانه‌ی نظریه‌ی حرکت منطبق و توجیه می‌شود: ۱- وضعیت موجود (مبدأ) که همان حکمرانی ولی فقیه در عصر غیبت است ۲- وضعیت متعالی (مقصد) که همان حکمرانی متعالی مهدوی در عصر ظهور است. ۳- حرکت و طی مسیر از وضعیت موجود (حکمرانی ولی فقیه) برای رسیدن به وضعیت متعالی (حکمرانی متعالی مهدوی) که در این حرکت یعنی حرکت از مبدأ به مقصد چهار عنصر مطرح هستند ۱- انتظار خاص به عنوان پیشران و عامل حرکت است (محرک). ۲- نهادهایی نظیر خانواده، اقتصاد، تعلیم و تعلم، سلامت و بهداشت، سیاست و دولت در حکمرانی ولی فقیه به عنوان متعلقات حرکت است (متحرک). ۳ و ۴- عصر غیبت به عنوان زمان و مکان حرکت است (زمان و مکان) که منتظران در این عصر با تلاش و کوشش به زمینه‌سازی ظهور پرداخته تا با تحقق زمینه‌سازی ظهور به آمادگی و با تحقق آمادگی به شایستگی و با تحقق شایستگی به بایستگی ظهور و در نهایت به حکمرانی متعالی مهدوی (مقصد) می‌رسند.

در پایان و جمع بندی لازم است به نکاتی چند اشاره شود. اولاً منظور از انتظار در اینجا، انتظار اجتماعی است نه فردی. ثانیاً حکمرانی مهدوی بسان همه‌ی امورات اجتماعی، جهت توجیه و تثبیت خویش نیاز به چارچوب‌های نظری دارد. ثالثاً چارچوب‌های نظری حکمرانی مهدوی بیش از موارد فوق است که در اینجا به برخی از آنها اشاره شده است. رابعاً جهت تبیین چارچوب نظری حکمرانی مهدوی نیاز به تفصیل بیشتری است که در اینجا به اجمال بیان شده است. خامساً چارچوب نظری حکمرانی مهدوی به طور مطلق شامل حکمرانی‌ای که بر اساس اندیشه‌ی مهدویت شکل گرفته می‌شود، بر این اساس علاوه بر حکمرانی مهدوی با حاکمیت مستقیم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه‌ه) شامل حکمرانی ولی فقیه به عنوان جانشین امام زمان (عجل الله تعالی فرجه‌ه) در عصر غیبت نیز می‌شود. سادساً بیان چارچوب نظری در مورد حکمرانی مهدوی (یعنی با حاکمیت مستقیم امام زمان) با رویکرد پیشینی و در مورد حکمرانی جانشینان امام زمان (یعنی با حاکمیت غیرمستقیم امام زمان) با رویکرد پسینی توجیه می‌شود.



نمودار ۱: چارچوب‌های نظری حکمرانی مهدوی

۳. مبانی حکمرانی مهدوی

چنان‌که بیان شد، واژه‌ی مبانی با مترادفاتی نظیر ارکان، اصول، بنیاد، شالوده، پایه و اساس، روبه‌رو بوده و عامل شکل‌گیری حوزه‌های مختلفی مثل حوزه‌ی معرفتی و غیرمعرفتی، و حوزه‌ی علوم و امور می‌باشد. مبانی حکمرانی مهدوی از جمله مسائل مهم

فلسفه‌ی حکمرانی مهدوی است. فلسفه‌ی حکمرانی مهدوی دارای مسائل مختلفی نظیر «تطور و تحول حکمرانی مهدوی»، «آسیب‌شناسی حکمرانی مهدوی»، «هدف و غایت‌شناسی حکمرانی»، «مسئله‌شناسی حکمرانی مهدوی»، «معرفت‌شناسی حکمرانی مهدوی»، «موضوع‌شناسی حکمرانی مهدوی» بوده که مبانی‌شناسی حکمرانی مهدوی از جمله‌ی آن‌ها است. بی‌تردید، کلیه‌ی حوزه‌ها اعم از معرفتی و غیرمعرفتی، و علوم و امور به نحوی در پیدایش، توجیه‌پذیری و اتقان، نیازمند به مبانی هستند. مقوله‌ی حکمرانی مهدوی به عنوان یک مقوله‌ی سیاسی - اجتماعی که دارای مؤلفه‌های مختلفی نظیر شاخصه‌های حکمرانی، روش حکمرانی، سبک حکمرانی، فایده‌ی حکمرانی است نیز از این قاعده مستثنی نیست. مبانی حکمرانی مهدوی در واقع نوع نگرش و زاویه‌ی دید ما را نسبت به ارزش و جایگاه حکمرانی مهدوی مشخص می‌کند که در این قسمت با نگرش توصیفی و تحلیلی به این موضوع خواهیم پرداخت. بی‌شک مبانی حکمرانی مهدوی بر اساس ماهیت شناختی و گستره‌ی شناختی به انواع و اقسام مختلفی نظیر مبانی هستی‌شناختی، مبانی دین‌شناختی، مبانی غایت‌شناختی، مبانی ارزش‌شناختی، مبانی جامعه‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی و... تقسیم می‌شود.

۱-۳. مبانی هستی‌شناختی

مبانی هستی‌شناختی، مبانی‌ای است که خاستگاه هستی‌شناسانه و وجودشناسانه دارد و بر اساس موجودات خارجی و روابط حاکم در میان آن‌ها، تعریف می‌شود. یعنی مبانی و اصولی که با هست‌های عالم مرتبط بوده و از کیفیت ارتباط آن‌ها و از قواعد و احکام مربوطه در آن‌ها سرچشمه می‌گیرد؛ نه از بایدها و نبایدها و حیث‌های اعتباری که در عالم اعتباری مطرح است؛ بنابراین، مبانی هستی‌شناختی حکمرانی مهدوی، آن مبانی است که به ارتباط میان حکمرانی مهدوی با عالم هستی و موجودات خارجی، و کیفیت و نوع ارتباط آن‌ها، با رویکرد فلسفی و وجودشناختی می‌پردازد، نظیر «حکمرانی مهدوی مبتنی بر ضرورت وجود حجت در همه‌ی اعصار»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر سنت‌های الهی»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر سنت پیروزی حق بر باطل»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر وراثت

مستضعفان»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر حاکمیت صالحان»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر مثبت بودن فرجام تاریخ بشریت»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر قاعده‌ی قسر»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر قاعده‌ی لطف»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر وجود نظام احسن» و...
 مبانی فوق اگرچه از نظر روش، سنخیت و ماهیت‌شناختی در قالب مباحث عقلی تعریف شده و با شیوه‌های عقلی قابلیت اثبات و توجیه دارد، ولی از نظر ماده که متشکل از مقدمه‌ی اول و دوم است، از یک‌دیگر متفاوت هستند؛ زیرا برخی از مبانی هر دو مقدمه‌ی آن‌ها عقلی می‌باشد نظیر قاعده‌ی قسر، قاعده‌ی لطف و برهان نظام احسن، و برخی دیگر ترکیبی بوده، یعنی یکی از مقدمات عقلی و دیگری نقلی یعنی قرآنی و یا روایی خواهد بود. نظیر «حکمرانی مهدوی مبتنی بر سنت پیروزی حق بر باطل»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر وراثت مستضعفان»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر حاکمیت صالحان»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر ضرورت وجود حجت در همه‌ی اعصار»

در منابع حدیثی شیعه، برخی روایات با نگرش هستی‌شناسانه به «ضرورت وجود حجت الهی در همه‌ی اعصار» پرداخته‌اند. از منظر این گونه روایات، وجود حجت الهی جزء لاینفک آفرینش و خلقت تلقی شده و آفرینش و خلقت موجودات خصوصاً انسان، بدون آن غیرممکن و بیهوده می‌باشد. در همین راستا برخی دیگر از روایات، وجود حجت الهی را به حدی لازم و ضروری دانسته‌اند که حتی آفرینش حجت الهی را قبل، بعد و همراه آفرینش موجودات دیگر می‌دانند. چنانکه امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: *الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ* حجت خدا پیش از آفرینش و همراه آفرینش و بعد از آفرینش است (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۲۱).

در روایت پیش گفته سه مقطع زمانی قبل از آفرینش، بعد از آفرینش و همراه آفرینش، مطرح می‌باشد که بیان‌گر چند نکته است: نخست به این مطلب اشاره دارد که رتبه‌ی وجودی حجت الهی متقدم بر وجود موجودات دیگر است، چون خداوند قبل از آن که انسان را بیافریند، به آفرینش حجت و انسان کامل اقدام کرده است. دوم، وجود حجت الهی بعد از آفرینش، به این مطلب دلالت دارد که نظام آفرینش بدون هدف و غایت نیست بلکه حجت الهی غایت و هدف نظام آفرینش می‌باشد. سوم، همراهی

حجت الهی در فرایند زندگی بشر یعنی بعد از آفرینش انسان است. برای بشر در راستای پیش برد زندگی و بهره‌مندی از امکانات اجتماعی، زندگی اجتماعی و تشکیل حکومت ضرورت پیدا می‌کند. این مهم یعنی زندگی اجتماعی و تشکیل حکومت بدون همراهی امام و بدون وجود قانون، مشکل و غیرممکن می‌باشد. براین اساس، ضرورت دارد در سه مرحله‌ی وجودی انسان، قبل از آفرینش انسان، بعد از آفرینش انسان و همراه آفرینش انسان، امام و حجت الهی برای راهنمایی و هدایت بشر، آفریده و تعیین شده باشد.

۲-۳. مبانی غایت‌شناختی

از جمله مبانی مهم حکمرانی مهدوی، مبانی غایت‌شناختی است. غایت یعنی هدف و مقصدی که فعل به‌خاطر آن از فاعل صادر می‌شود که در قالب علت غایی خودنمایی کرده و در برابر آن علت فاعلی قرار دارد. هر دو در این‌که پیشران و ایجادکننده‌ی فعل بوده، مشترک هستند. اما تفاوت در این است که علت فاعلی، تقدم عینی دارد ولی علت غائی تقدم ذهنی. تفاوت دیگر این‌که علت غایی نسبت به فاعل، علت است؛ یعنی علت علیتِ علتِ فاعل، علت غایی می‌باشد و اما نسبت به فعلِ ناشی از همان فاعل، غایت محسوب می‌شود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ص ۱۱۴). مبانی غایت‌شناختی در راستای هدف‌نمایی برای حکمرانی مهدوی نقش علت موجد و پیشران را ایفا می‌کند تا حکمرانی مهدوی را در یک فرایند خاص به مقصد و برآیند خاص هدایت نماید. این غایات با چهار نگرش عقلی، قرآنی، روائی و تجربی قابل توجیه هستند یعنی برخی از این غایات رویکرد عقلی دارند و عقل خاستگاه آن‌ها به حساب می‌آیند و برخی با رویکردهای دیگر نظیر قرآن، روایات و تجربه توجیه می‌شوند؛ یعنی که قرآن، روایات و یا تجربه، خاستگاه آن به حساب می‌آیند. پس به‌طور کلی، نگرش چهارگانه‌ی غائی که به نوعی تداعی گر مبانی چهارگانه‌ی غائی است، به قرار ذیل است: «حاکمیت و گسترش دین و نفی سکولاریسم»، «حاکمیت و گسترش توحید و نفی اومانیسم»، «حاکمیت و گسترش معنویت و نفی ماتریالیسم»، «گسترش عدالت فردی و اجتماعی و

نفی نابرابری»، «تحقق حاکمیت صالحان و مستضعفان و نفی حاکمیت ظالمان و ستمگران»، «تحقق حیات عاقلانه و نفی حیات جاهلانه»، «تحقق عبادت و عبودیت و نفی شرک و هواپرستی»، «تحقق تمدن اسلامی و نفی تمدن الحادی»، «تحقق ارزش‌های اسلامی و نفی ارزش‌های مادی»، «تحقق رضایت عمومی و نفی انحصارگرایی»، «تحقق مشارکت عمومی و نفی استبدادگرایی»، «تحقق حیات طیبه و نفی حیات شیطانی»، «تحقق عزت مسلمانان و نفی ذلت»، «تحقق عزت و کرامت انسانی»، «تحقق عقلانیت و معرفت و نفی جهالت و نفسانیت»، «تحقق سعادت و کمال انسانیت»، «تحقق هنجارهای اصیل اجتماعی و نفی هنجارهای کاذب اجتماعی و... این موارد به عنوان مبانی غایت‌شناختی حکمرانی مهدوی با محتوا و جهت‌های مختلف شناخته می‌شوند که لازم است حکمرانی مهدوی با توجه به آنها، فرایند اجرای حکمرانی را از مبدأ تا رسیدن به مقصد، سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری نماید.

مثلاً در رویکرد قرآنی، آیات مختلفی به موضوع مهدویت می‌پردازد. این نوع آیات به آیات مهدوی مشهور هستند و برخی تعداد آنها را بیش از یکصد آیه تخمین زده‌اند. این آیات به موضوعات مختلف مهدویت و حکمرانی مهدوی اشاره دارند که از جمله‌ی آن‌ها بحث غایت مهدویت و حکمرانی مهدوی است.

✓ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيَدْلُنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمَنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند» (نور، ۵۵).

امام صادق (علیه السلام) در مورد آیه‌ی بالا می‌فرماید: مصداق آیه امام مهدی (علیه السلام) و اصحاب او هستند (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۲۶). در این آیه به چهار علت غائی

حکمرانی مهدوی مثل تحقق استخلاف، فراگیری و گسترش دین اسلام، و امنیت فراگیر و جهانی، و تحقق عبودیت و بندگی خدا اشاره شده است. این چهار مورد که حکمرانی مهدوی با آنها غایت‌نمائی و هدف‌گذاری می‌شود با دو شرط ایمان و عمل صالح حاصل می‌شود.

✓ «و تُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ تَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم» (قصص، ۵).

✓ «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ زمین را بندگان صالح من به ارث می‌برند» (انبیاء، ۱۰۵).

در تفاسیر روح‌المعانی آلوسی و مفاتیح الغیب فخر رازی در تفسیر این آیه آمده است که منظور از بندگان صالح همان مؤمنانی هستند که در آخر زمان در هنگامی ظهور حضرت مهدی و نزول حضرت عیسی وارثان زمین می‌شوند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۹۸؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۹۳).

بر اساس محتوای دو آیه فوق، منت الهی نصیب انسان‌های مظلوم که مورد استضعاف و ظلم ستمگران قرار گرفته‌اند می‌شود و خداوند آنها را به غایت سیاسی - اجتماعی که همان وارثت زمین و امامان و پیشوایان جامعه باشد، می‌رساند.

✓ «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند» (توبه، ۳۳).

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیهی بالا می‌فرماید: وَ اللَّهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَ لَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ (علیه السلام)؛ به خدا قسم، هنوز تأویل آیه نرسیده است تا قائم (علیه السلام) ظهور کند» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۶۷۰).

باز حضرت صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «لَيُرْفَعَنَّ عَنِ الْمَلِكِ وَ الْأَدْيَانِ الْإِخْتِلَافُ وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ وَاحِدًا، كَمَا قَالَ جَلَّ ذِكْرُهُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ (ال عمران، ۱۹)؛ (حلی،

۱۴۲۱ق، ص ۴۳۶) ناهمانگی ادیان و مذاهب از بین برود و فقط یک دین در سراسر

جهان مطرح باشد چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید دین نزد خدا اسلام است.»

در جهت تبیین آیه و روایت فوق به چند نکته اشاره می‌شود: ۱- آیه در سه جای قرآن تکرار شده است «توبه، آیه ی ۳۳ و فتح، آیه ی ۲۸ و صف، آیه ۹». ۲- تکرار آیه نشان از اهتمام محتوا و موضوع آن دارد. ۳- آیه به عنوان آیه ی مهدوی شناخته می‌شود. ۴- رفع اختلاف از ملت‌ها و ادیان، و فراگیری و گسترش دین اسلام در جهان از جمله غایات حکمرانی مهدوی است.

۳-۳. مبانی دین‌شناختی

«رویکرد دین‌شناختی» که با پسوند دین همراه است، بیان‌گر نوع نگاه و نگرشی است که بر اساس دین و داده‌های دینی سامان می‌گیرد. و مبانی و اصولی که از تعالیم و داده‌های دینی استنباط می‌شود مبانی و اصول دین‌شناختی می‌گویند. مقصود از واژه ی دین در ترکیب دین‌شناختی، دین مطلق نیست بلکه منظور دین خاص یعنی دین اسلام است. پس رویکرد دین‌شناختی در اینجا در واقع به معنای رویکرد اسلام‌شناختی است. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ (آل عمران، ۱۹) پس رویکرد اسلام‌شناختی یعنی نوع نگرش‌ها و برداشت‌هایی که از اسلام و تعالیم اسلامی در قالب مبانی و اصول به‌دست می‌آید. نظیر «جهانی بودن حکمرانی مهدوی مبتنی بر جهان شمولی اسلام»، «جامعیت حکمرانی مهدوی مبتنی بر جامعیت اسلام»، «کمال حکمرانی مهدوی مبتنی بر کمال اسلام»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر ظهور»، «قوانین و مقررات حکمرانی مهدوی منبعث از آموزه‌های اسلامی»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر نصب امام از ناحیه اسلام»، «مشروعیت حکمرانی مهدوی از ناحیه اسلام»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر سنت پیروزی حق بر باطل»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر سنت وراثت مستضعفان»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر سنت حاکمیت صالحان» و... موارد فوق که به عنوان مبانی دین‌شناختی حکمرانی مهدوی شناخته می‌شود به نوعی خاستگاه اسلامی داشته و همگی از اسلام و آموزه‌های اسلامی منبعث می‌شوند.

حکمرانی مهدوی با وصف حکمرانی متعالی توصیف و معرفی می‌شود. این اتصاف یعنی اتصاف به متعالی بودن با وجود سه مؤلفه‌ی رهبر مقتدر، قانون خوب و مردم آماده، تحقق پیدا می‌کند. بر اساس مبانی دین‌شناختی، دو مؤلفه‌ی اول یعنی رهبر و قانون از ناحیه‌ی اسلام، تمشیت شده و اسلام به‌عنوان خاستگاه مهدویت و حکمرانی مهدوی، علاوه بر تعیین رهبر، تدوین قوانین اداره‌ی جامعه‌ی جهانی مهدوی را نیز بر عهده دارد. حکمرانی مهدوی بسان همه‌ی حکمرانی‌های دیگر با دو ساحت مشروعیت و مقبولیت سامان گرفته و در جامعه، اجرائی و عملیاتی می‌شود. ساحت مشروعیت با تعیین رهبر و تدوین قوانین از ناحیه‌ی اسلام، تأمین می‌شود و ساحت مقبولیت با آمادگی و شایستگی مردم جهت تحقق ظهور تضمین می‌شود؛ بنابراین، اسلام به‌عنوان خاستگاه حکمرانی مهدوی، تأمین‌کننده‌ی مشروعیت و آمادگی مردم به‌عنوان خاستگاه مقبولیت، و تضمین‌کننده‌ی تحقق حکمرانی مهدوی در جامعه‌ی جهانی شناخته می‌شود. امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به پرسش ابوبصیر در خصوص تعیین و نصب امام می‌فرماید: «لَا وَاللَّهِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا ذَاكَ إِلَّا إِلَيْنَا وَمَا هُوَ إِلَّا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يُنْزِلُ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ؛ نه به خدا، ای ابا محمد، تعیین امام در اختیار ما نیست، این کار تنها به دست خدا است که دربارہ‌ی هر یک پس از دیگری فرو می‌فرستد» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۷۷).

امام باقر (علیه السلام) در پاسخ به پرسش عبدالله بن عطاء در خصوص شیوه و روش حکمرانی امام مهدی (علیه السلام) می‌فرماید: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ (علیه السلام) فَقُلْتُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (علیه السلام) بِأَيِّ سِيرَةٍ يَسِيرُ فِي النَّاسِ؟ فَقَالَ يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيدًا؛ (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۳۲) عبد الله بن عطاء از امام باقر (علیه السلام) پرسید: چون قائم قیام کند با چه روشی در میان مردم حکومت می‌کند؟ فرمود: روش پیشین را ویران می‌کند همچنان که رسول الله (صلی الله علیه و آله) کرد و اسلام را از نو شروع می‌کند».

در اینجا به دو مؤلفه‌ی مهم حکمرانی یعنی تعیین رهبر و تدوین قانون اشاره شده است در روایت اول به تعیین رهبر از ناحیه‌ی اسلام پرداخته شده و در روایت دوم، به شیوه و روش حکمرانی مهدوی که منبعث از اسلام بوده اشاره شده است. روشن است وقتی که تعیین رهبر جهانی از ناحیه‌ی اسلام و تدوین قوانین و مقررات حکمرانی

مهدوی از ناحیه‌ی اسلام باشد، پس خاستگاه حکمرانی مهدوی و مشروعیت آن نیز از ناحیه‌ی اسلام خواهد بود.

۳-۴. مبانی جامعه‌شناختی

از جمله مباحثی که در حوزه‌ی مبانی حکمرانی مهدوی مطرح است، بحث مبانی حکمرانی مهدوی با رویکرد جامعه‌شناختی است. رویکرد جامعه‌شناختی معطوف به علم جامعه‌شناسی است. جامعه‌شناسی شاخه‌ای از علوم اجتماعی است. این دانش، توسعه، ساختار و عملکرد زندگی اجتماعی انسان را مطالعه می‌کند (حقایق و ریاحی‌پور، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۱۵). یعنی به مطالعه‌ی زندگی اجتماعی، گروه‌ها و جوامع انسانی توجه کرده و به پدیده‌های اجتماعی و رفتار جمعی بشر در جامعه نظر دارد (آنتونی، ۱۳۷۷، ص ۱۰). از آنجائی که حکمرانی مهدوی به عنوان یک پدیده‌ی سیاسی - اجتماعی با رویکرد جامعه‌شناسی توجیه می‌شود، پس دارای یک سری مبانی و اصول برآمده از حوزه‌ی جامعه‌شناسی با رویکرد سیاسی و اجتماعی است. نظیر «حکمرانی مهدوی مبتنی بر مشارکت عمومی»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر تحول و آمادگی فردی و اجتماعی»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر آمادگی جهانی مردم»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر رضایت عمومی»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر عدالت فراگیر جهانی»، «حکمرانی مهدوی مبتنی بر اضمحلال ظلم و نابرابری».

در خصوص مشارکت و آمادگی فراگیر مردم، و رضایت عمومی آن‌ها، روایتی از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل شده که مردم با آزادی تمام و با میل و علاقه‌ی فراوان، در حکمرانی مهدوی مشارکت کرده و با رضایت کامل در صحنه‌ی جامعه حضور پیدا می‌کنند چنان که حضرت می‌فرماید: «يُؤْضَى بِخَلْقَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَ الطَّيْرِ فِي الْجَوْ؛ ساکنان زمین و آسمان و پرندگان در آسمان از حکمرانی امام مهدی ﷺ رضایت دارند» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۶۹).

بی‌شک یکی از اصول مهم در حکمرانی‌های مهدوی (اعم از حکمرانی متعالی مهدوی و حکمرانی ولی فقیه که هر دو برخاسته از اندیشه‌ی مهدویت است) اصل

مردم‌سالاری دینی است که رضایت عمومی مردم از حکمرانی و حاکمان نشان از این اصل دارد. زیرا به صورت سلسله‌مراتبی حضور مردم در صحنه نشان از مشارکت عمومی آن‌ها در حکمرانی داشته و مشارکت عمومی مردم در حکمرانی نشان از پیاده‌سازی این اصل مردم‌سالاری دینی می‌باشد، پس رضایت عمومی مردم از حکمرانی و محبوبیت فراگیر حاکمان نشان از اوج این حضور مردمی، مشارکت عمومی و مردم‌سالاری دینی است.

نتیجه‌گیری

حکمرانی مهدوی که برخاسته از اندیشه‌ی مهدویت است به دو قسم حکمرانی متعالی مهدوی و حکمرانی مطلوب ولی فقیه تقسیم می‌شود. حکمرانی مهدوی دارای مسائل مختلف بیرونی و درونی می‌باشد که مسائل درونی با رویکرد درجه‌اول و جزء‌نگرانه متعلق به اصل حکمرانی مهدوی است و مسائل بیرونی با رویکرد درجه‌دو و کل‌نگرانه اختصاص به فلسفه‌ی حکمرانی مهدوی دارد. اصل حکمرانی مهدوی دارای مسائل مختلفی نظیر «سبک حکمرانی مهدوی»، «ساختار حکمرانی مهدوی»، «خانواده در حکمرانی مهدوی»، «اقتصاد در حکمرانی مهدوی»، «بهداشت و سلامت در حکمرانی مهدوی»، «تعلیم و تربیت در حکمرانی مهدوی»، «قدرت و سیاست در حکمرانی مهدوی» است. فلسفه‌ی حکمرانی مهدوی دارای مسائل مختلفی نظیر «تطور و تحول حکمرانی مهدوی»، «آسیب‌شناسی حکمرانی مهدوی»، «هدف و غایت‌شناسی حکمرانی مهدوی»، «کارکرد حکمرانی مهدوی»، «مسأله‌شناسی حکمرانی مهدوی»، «معرفت‌شناسی حکمرانی مهدوی»، «موضوع‌شناسی حکمرانی مهدوی» بوده که «مبانی و چارچوب نظری حکمرانی مهدوی» از جمله‌ی آن‌هاست. در چارچوب نظری به انطباق حکمرانی مهدوی با مقولات سه‌گانه نظیر مقوله‌ی قانون حرکت، مقوله‌ی عقل نظری و عقل عملی، و مقوله‌ی علل اربعه پرداخته می‌شود و در مبانی شناختی حکمرانی مهدوی به بیان مبانی هستی‌شناختی، غایت‌شناختی، دین‌شناختی و جامعه‌شناختی مبادرت می‌شود. با همین مبانی و چارچوب نظری علاوه بر اتقان‌سازی پایه‌ها و بنیادهای حکمرانی مهدوی، زمینه‌ی انسجام و استانداردسازی ساختار آن نیز فراهم می‌شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

- آلوسی بغدادی، شهاب الدین محمود. (۱۴۱۵ق). روح المعانی (ج ۹). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد. (۱۴۱۶ق). لسان العرب (ج ۱). بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- اربلی، علی. (۱۳۸۱ق). کشف الغمه (ج ۲). تبریز: بنی هاشمی.
- تهانوی، محمد علی بن علی. (۱۴۰۴ق). کشف اصطلاحات الفنون (ج ۱). استانبول: دار قهرمان.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۴). فطرت در قرآن (ج ۴، چاپ سوم). قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). پیامبر رحمت (چاپ دوم). قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). حکمت علوی (چاپ پنجم). قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه (چاپ هفتم). قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶«الف»). رحيق مختوم (ج ۲، چاپ سوم). قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶«ب»). سرچشمه اندیشه (ج ۳، چاپ پنجم). قم: اسراء.
- حاجی صادقی، عبدالله. (۱۳۸۶). فلسفه و نظام سیاسی اسلام. قم: زمزم هدایت.
- حسینی دشتی، سید مصطفی. (۱۳۷۹). معارف و معاریف (ج ۸، چاپ سوم). تهران: موسسه فرهنگی آرایه.
- حقایق، بابک؛ ریاحی پور، بابک. (۱۳۷۷). دائرة المعارف بزرگ زرین (ج ۱). تهران: قیام.
- حلی، حسن. (۱۴۲۱ق). مختصر البصائر. قم: موسسه نشر اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات (ج ۱). بیروت: دارالاسلامیه.
- صدرالدین شیرازی، محمد. (۱۳۶۶). الشواهد الربوبیه. تهران: سروش.
- صدرالدین شیرازی، محمد. (۱۳۶۸). اسفار (ج ۲ و ۹). قم: مکتبه المصطفوی.
- صدرای شیرازی، محمد. (۱۴۰۴ق). الشفاء (ج ۲). قم: مکتبه آیه الله مرعشی.

- صدوق، محمد. (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمه (ج ۱ و ۲، چاپ دوم). تهران: اسلامیه.
- فخر رازی، ابو عبدالله محمد. (۱۴۲۱ق). مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر) (ج ۲). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- فیرحی، داود. (۱۳۹۵). نظام سیاسی و دولت در اسلام (چاپ سیزدهم). تهران: سمت.
- کلینی، محمد. (۱۳۶۲). کافی (ج ۱). تهران: اسلامیه.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی (مترجم: منوچهر صبوری). تهران: نشر نی.
- لک‌زایی، نجف. (۱۳۸۵). چالش سیاست دینی و نظم سلطانی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- لک‌زایی، نجف و همکاران. (در دست نشر). چیستی حکمرانی اسلامی.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۷۸). آموزش فلسفه (ج ۲). تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). مجموعه آثار (ج ۵). قم: صدرا.
- نعمانی، محمد. (۱۳۹۷ق). غیبت نعمانی. تهران: نشر صدوق.

References

* The Holy Quran

Alusi Baghdadi, S. M. (1996). *Ruh al-Ma'ani* (Vol. 9). Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. Beirut. [In Arabic]

Arbali, A. (2000). *Kashf al-Ghummah* (Vol. 2). Bani Hashemi. Tabriz. [In Arabic]

Fakhr Razi, A. M. (2000). *Mafatih al-Ghayb (al-Tafsir al-Kabir)*. (Vol. 2) Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. Beirut. [In Arabic]

Feirahi, D. (2016). *The Political System and Government in Islam*. Samt. Tehran. [In Persian]

Haji Sadeqi, A. (2007). *Philosophy and Political System of Islam*. Zamzam Hidayat. Qom. [In Persian]

Giddens, A. (1998). *Sociology* (M. Sabouri, Trans.). Tehran: Ney Publications [In Persian].

Haqa'iq, B., & Riyahi Pour, B. (1998). *Dairat al-Ma'arif al-Kabir al-Zarin* (Vol. 1). Qiyam. Tehran. [In Persian]

Helli, H. (2000). *Mukhtasar al-Basair*. Islamic Publishing Institute. Qom. [In Arabic]

Hosseini Dashti, S. M. (2000). *The Knowledge and Sciences* (Vol. 8). Arayeh Cultural Institute. Tehran. [In Persian]

Ibn Manzur, M. (1997). *Lisan al-Arab*. Dar al-Hayaa al-Turath al-Arabi. Beirut. [In Arabic]

Javadi Amuli, A. (2005). *Innate Nature in the Qur'an* (Vol. 4). Isra'. Qom. [In Persian]

Javadi Amuli, A. (2007). *The Sealed Nectar* (Vols. 2, 3). Isra'. Qom. [In Persian]

Javadi Amuli, A. (2007). *The Source of Thought*. Isra'. Qom. [In Persian]

Javadi Amuli, A. (2008). *The Wisdom of Ali*. Isra'. Qom. [In Persian]

Javadi Amuli, A. (2009). *The Prophet of Mercy*. Isra'. Qom. [In Persian]

- Javadi Amuli, A. (2010). *Theoretical and Practical Wisdom in Nahj al-Balaghi*. Isra'. Qom. [In Persian]
- Kulayni, M. (1983). *Al-Kafi*. Islamiyyah. Tehran. [In Persian]
- Lakzaei, N. (2006). *The Challenge of Religious Politics and Sultanate Order*. Islamic Sciences and Culture Academy. Qom. [In Persian]
- Lakzaei, N., et all. (Forthcoming). *What is Islamic Governance?* [In Persian]
- Mesbah Yazdi, M. T. (1999). *Teaching Philosophy* (Vol. 2). Amir Kabir Publishing Institute. Tehran. [In Persian]
- Motahari, M. (1993). *Collected Works* (Vol. 5). Sadra. Qom. [In Persian]
- Namani, M. (2016). *Ghaybat al-Namani*. Saduq Publications. Tehran. [In Arabic]
- Raghib Isfahani, A. (1992). *Mufradat* (Vol. 1). Dar al-Islamiyyah. Beirut. [In Arabic]
- Sadr al-Din Shirazi, M. (1985). *Al-Shifa'* (Vol. 2). Maktabah Ayatollah Mar'ashi. Qom. [In Persian]
- Sadra al-Din Shirazi, M. (1987). *Al-Shawahid al-Rububiya*. Soroush. Tehran. [In Persian]
- Sadra al-Din Shirazi, M. (1989). *Al-Asfar* (Vols. 2, 9). Maktabah al-Mustafawi. Qom. [In Persian]
- Saduq, M. (2016). *Al-Kamil fi al-Din wa Tamam al-Ni'mah* (Vols. 1, 2). Islamiyyah. (2nd ed.). Tehran. [In Persian]
- Tahanawi, M. A. b. A. (1985). *Kashaf Istilahat al-Funun* (Vol. 1). Dar Qahraman. Istanbul. [In Arabic]